

بسمه تعالی

پژوهشکده مطالعات سیاسی و بین الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پنجمین پیش نشست از پیش نشست های همایش «نظم جدید بین المللی، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» را با موضوع «مختصات نظم بین الملل متأثر از بحران اوکراین و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در آن» در تاریخ ۲۷ مهر ۱۴۰۱ برگزار نمود.

این پیش نشست با حضور و سخنرانی دکتر حیدرعلی مسعودی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر علیرضا نوری (استادیار دانشگاه شهید بهشتی) و با مدیریت دکتر طیبیه محمدی کیا برگزار شد. ابتدا دکتر مسعودی رصد گفتمان های آمریکایی در ارتباط با بحران اوکراین را برای بیان ویژگی های نظم بین الملل آینده لازم دانست. از نظر ایشان دو دسته گفتمان رسمی و دانشگاهی را در فضای کنونی بحران اوکراین می توان ملاحظه کرد. در درون گفتمان رسمی که نشان دهنده موضع گیری های مقام های رسمی ایالات متحده است طولانی تر شدن بحران اوکراین و گفتمان «روس گرایی شکست گرایانه» رشد می کند. به باور مقام های دولتی ایالات متحده، جنگ اوکراین به دلیل نگاه امپراتوری گرایانه روسیه است. رویکرد دولت بایدن نیز توقف ماشین جنگی روسیه از یک سو و ضربه زدن به آن از سوی دیگر است. نصویب کمک نظامی به اوکراین را باید در همین جهت تفسیر کرد. اقدام دیگر دولت ایالات متحده بازنمایی اقدام های روسیه به مثابه نسل کشی و جرایم جنگی است. وزارت خارجه ایالات متحده بر این باور است که روسیه در دستیابی به اهدافش ناتوان بوده و طرف شکست خورده جنگ است. مصادیق گفتمان شکست گرایی روسی را در بیان مقامات و سناتورهای آمریکا می بینیم. خانم لیز چینی بر این باور است که آمریکا باید تسلیحات سنگین به اوکراین صادر کند. تلاش هواداران این گفتمان نمایش و معرفی روسیه به عنوان یک بازیگر شرور در عرصه بین الملل است.

گفتمان آکادمیک در ایالات متحده در دو دسته طرح می شود: گفتمان «واقع گرایی تعهدگرای» و گفتمان «لیبرالیسم جنگجو». تبارشناسی گفتمان نخست در نگرش کیسینجر و مرشایمر و جرج کنان قابل پیگیری است. این دسته از اندیشمندان بر این باورند که ما باید واقعیت قدرت روسیه را در دوران پساجنگ سرد بررسی نماییم. مرشایمر با ایده **Back to Future** از نظام موازنه قدرت در اروپا دفاع می کند. بریتانیا و ایالات متحده به عنوان دو

متحد باید در فضای برهم خوردن موازنه ایفای نقش داشته باشد. اگر روسیه نظم موجود را بپذیرد در برابر آلمان موازنه گرا خواهد بود. مرشایمر در مقاله‌ای در ۲۰۱۶ وظیفه ایالات متحده را مقابله با هژمونی‌های بالقوه با در نظر داشتن منافع مشروع روسیه در اروپای شرقی می‌داند. مرشایمر آمریکا را علت جنگ می‌داند که می‌کوشد اوکراین را به خاکریز آمریکا در اروپا و مرزهای ناتو تبدیل کند. راه حل مرشایمر این است که اوکراین به یک منطقه بی‌طرف تبدیل شود. مرشایمر بر این باور است که اگر آمریکا بخواهد کمک به اوکراین را تشدید کند می‌تواند وضعیت وخیم‌تر شود و روسیه به سمت بمب اتم برود. والت به ناکارآمدی نظم وابستگی متقابل اشاره دارد. جرج کنان در ۱۹۹۹ پیش‌بینی کرد که پیشروی ناتو به شرق سرنوشت غم‌انگیزی برای غرب است. این گفتمان بر این باور است که ما باید نهادهای وجودی روسیه را به رسمیت بشناسیم و در راستای کم‌اثر ساختن آن‌ها بکوشیم. گفتمان دیگر از سوی جوزف نای و فوکویاما مطرح شده است. بحران اوکراین جنگ اقتدارگرایی و دموکراسی است و علت اصلی جنگ، سامان سیاسی یک تن سالار در روسیه است. اگر غرب شکست بخورد بازگشت از دموکراسی در کشورهای دیگر هم دیده خواهد شد. باید از مکانیزم **Check and balance** بهره بگیریم. در این فضا باید مانع اقدام چین شد. مسائل داخلی روسیه و عدم ثبات سیاسی علت جنگ است که یک **Other** برای تضمین مشروعیت سیاسی است که دشمن‌سازی کرده است. در این گفتمان جنگ آوردگاه ایده‌های دموکراسی و اقتدارگرایی است.

بحث ایران در نظم بین‌الملل جدید را باید از چشم‌اندازی نو نگریست. بحران اوکراین پایه‌های نظم بین‌الملل لیبرال مانند حقوق بین‌الملل را متزلزل ساخته است. در این بحران ما شاهد بازگشت رویکرد ژئوپلیتیک به عرصه سیاست جهانی هستیم. ایده وابستگی متقابل میان بازیگران نیز متزلزل شده است. نشانه‌های توزیع قدرت بین‌الملل جدید در کنار نظم بین‌الملل لیبرال نشان از آغاز تضعیف این نظم دارد. در این فضا آمریکا نتوانست امکان‌یاری پیشین را داشته باشد. در ارتباط با تحریم‌ها نیز درسی که روس‌ها از تحریم ایران گرفتند این است که وقتی مقاومت ایران را در برابر ایالات متحده و متحدانش می‌بینند به این نتیجه می‌رسند که پس روسیه هم می‌تواند مقاومت بورزد. در گروه ۷ هم فقط دو کشور کانادا و بریتانیا با آمریکا همکاری کردند که نمونه‌ای از تضعیف قدرت و توان همراه‌سازی آمریکا بود. در این فضا مهم‌ترین متغیر توضیح‌دهنده سیاست بین‌الملل پیش‌رو رقابت چین و ایالات متحده است. آمریکایی‌ها ایده تضعیف روسیه در نظم بین‌المللی را در نظر دارند. در این فضا ایران

نیز با تعیین استراتژی مبتنی بر آگاهی از مؤلفه‌های تعیین کننده قدرت رویکرد خود را برگزیند. تلاش ایالات متحده به سوی کمرنگ کردن روسیه است اما در رقابت با قدرت‌های نوظهور امکان توفیق او محل تردید است. در ادامه نشست دکتر نوری به طرح ایده و سخنان خود پرداخت. به گفته دکتر نوری جنگ اوکراین در واقع جنگ روسیه با ناتو و آمریکا است. در روسیه این انگاره مسلم انگاشته می‌شود که روس‌ها با ناتو می‌جنگند. برخاستن قدرت‌های نوظهور مانند چین و روسیه بهم خوردن نظم بین‌الملل را به دنبال دارد. کارگزارهایی مانند روسیه خواهان سهم خواهی بیشتری از کیک قدرت در عرصه بین‌الملل هستند. اهمیت روسیه را می‌توان در سندهای بالادستی ایالات متحده دید. در سند پایانی ۷۱ بار نام روسیه آمده است در مقدمه سند در صفحه ۸ بحث جنگ اوکراین مطرح شده و روسیه تهدیدی برای نظم بین‌الملل آزاد است. روسیه در این سند یک نیروی تجدیدنظر طلب است. روس‌ها بر این باورند که آمریکا روسیه را مهار می‌کند. مهار در قالب‌هایی مانند تحریم، گسترش ناتو و ... مطرح می‌شود. در این میان در روسیه بحث مهار و سیاست‌های ضد مهار مطرح می‌شود. انقلاب‌های رنگی و ترویج هنجارهای غربی نیز در شمار سیاست‌های مهار غرب قرار می‌گیرند. روسیه همه تلاش‌های ایالات متحده را در قالب سیاست‌های مهار می‌فهمد. روسیه در جنگ گرجستان، کریمه و اوکراین اظهار می‌دارد که آمریکا در صدد گسترش ناتو بوده و سیاست روسیه سیاست دفاع تهاجمی است. پوتین اظهار می‌دارد روسیه ناگزیر از حمله بود. حمله به اوکراین برای روسیه سیاست ضد مهار است. سه هدف با گسترش ناتو تحت تاثیر قرار می‌گیرد: الف-هدف استراتژی روسیه و تبدیل شدن روسیه به ابرقدرت است. ب-هدف هویت روسی: تجربه تاریخی در جنگ‌های روسیه و فرانسه، کنسرت اروپا، جنگ سرد و ... نشان می‌دهد که روسیه قدرت بزرگ است و برای روس‌ها باید قدرت بزرگ باقی بماند. ج-هدف ژئوپلتیک: روس‌ها اگر تسلیم شوند تأثیر جهانی‌شان را از دست خواهند داد و اگر آمریکا جلو بیاید احتمال واکنش سخت از سمت روسیه می‌رود.

در این فضا نباید از نظر دور داشت که مفهوم جهان روسی بسیار مهم است و روسیه مایل نیست این مفهوم خدشه دار شود. روسیه نگاه هویتی و پرستیژی و ژئوپلتیک به بحران اوکراین دارد. در دیدگاه روسی روسیه در سوریه، گرجستان و کریمه توانست به خوبی پیش برود پس می‌تواند در اوکراین هم پیش برود. آنچه به شکلی غیر منتظره بود این که در این فضا بحران اوکراین به نزدیک‌تر شدن چین و روسیه انجامید. این نزدیکی پیام آور نظم جدید است. در پردازش پایانی باید به این مؤلفه توجه نمود. از چشم انداز روسی شکست روسیه سناریوی

خطرناکی است زیرا برای روسیه این جنگ حیثیتی است و برای پوتین شکست در داخل روسیه است. لذا روسیه به سمت به کارگرفتن سلاح‌های سنگین حرکت می‌کند. پیروزی روسیه سناریوی دوم این نبرد است. سناریویی که احتمال آن بسیار اندک می‌نماید. ممکن است روسیه با حفظ چهار منطقه‌ای که به تصرف درآورده است جنگ را پایان دهد. روسیه در هر دو سناریو تضعیف خواهد شد و موقعیت آن در نظم جدید تحت تأثیر سرنوشت جنگ اوکراین است. باید توجه داشت که پیروزی روسیه بسیار پایین است. اقتصاد این کشور در بلند مدت تضعیف خواهد شد و منابع قدرت آن در نظم آینده و نیز در نظم موجود تضعیف می‌شود. احتمال قدرت‌یابی روسیه به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظم آینده اندک است.

مؤلفه دیگری که باید در سرنوشت بحران اوکراین مدنظر قرارگیرد دینامیک داخل روسیه و گردش نخبگان درون این جامعه است. بحث تهاجم زرد از سوی چین به روسیه نیز مؤلفه دیگری است که باید محل دقت واقع گردد. نکته این جا است که آیا آمریکا همچنان به تضعیف روسیه ادامه خواهد داد در حالی که می‌تواند از گزینه رفتاری دیگری نیز بهره گیرد و از روسیه به ضرر چین استفاده نماید. اما در هر دو حالت در آینده ما با یک روسیه ضعیف روبرو هستیم. روسیه در اقتصاد و مصرف دنباله رو غرب است. در جامعه روسیه ایده یوروآتلانتیسم ایده‌ای قوی است. وارد شدن ایران به مثابه یک قدرت منطقه‌ای به بازی قدرت‌های بزرگ جهانی می‌تواند خطرناک باشد. در جهان پس از بحران اوکراین ما با نظم چند قطبی روبرو نخواهیم شد. ما با یک دوره تنش و بی ثباتی روبرو خواهیم شد. در این فضا مؤلفه دیگری که نباید از نظر دور داشت نقش پر رنگ رسانه‌ها است که از روسیه چهره‌ای منفی ساخته‌اند و جنگ روایت‌ها را ایجاد نموده‌اند. جنگ روایت‌ها در کنار بده بستان‌های نظامی و تسلیحاتی باید مورد توجه قرار گیرد. در جمع‌بندی پایانی می‌توان گفت که ایران باید سیاست بی طرفی فعال را در پیش‌بگیرد و در راستای منافع ملی حرکت نماید.

در پایان این پیش‌نشدت به پرسش‌هایی مانند چپستی فضای نظم بین‌الملل برخاسته از بحران اوکراین، چندوچون ترتیبات قدرت در ارتباط میان روسیه و چین، ارتباط غرب و کشورهای شرق اروپا و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظم متشددت پس از بحران اوکراین و ... از سوی سخنرانان پاسخ داده شد.